

دیدگاه اقتصادی

جهانی شدن را از منطقه‌ای شدن آغاز کنیم

پدرام سلطانی

پیوستن به سازمان جهانی تجارت و نتیجتاً جهانی شدن اقتصادهای ملی برای تمام کشورها به امری اجتناب‌ناپذیر بدل گشته است. کشور ما جزو معدود کشورهایی است که تاکنون به سازمان جهانی تجارت نپیوسته است. یکی از دلایل اصلی این مساله که ریشه در فرهنگ مدیریت کشور دارد «تکروی» است. همان مشکلی که باعث عدم اقبال ورزشهای تیمی ما در صحنه‌های بین‌المللی شده، در بخش اقتصادی ما نیز آثار خود را نشان داده است. تجربه ناموفق ایران در سازمان اکو علیرغم طول عمر این پیمان و حرکتهای ناقص و شعارگونه در خصوص ایجاد بازار مشترک اسلامی از جمله تلاشهای ناموفق ما در خصوص تشریک مساعی در تجارت و اقتصاد است.

در حالی که چند سال است که گروهی از کارشناسان زبده اقتصادی در حال تدوین برنامه الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت هستند، هیچ گروهی تاکنون تحقیقی راجع به ناموفق بودن تجربیات قبلی ما در تشکیل اتحادیه‌های تجاری انجام نداده است. توجه به این مطلب از آن جهت حایز اهمیت است که تجربیاتی همچون اتحادیه اروپا که کشورهای کوچک اروپایی را تبدیل به قطب دوم (و شاید اول) اقتصاد در جهان کرده است و یا پیمان تجارت آزاد آمریکای شمالی که موجب دگرگون شدن اقتصاد مکزیک و قوی‌تر شدن اقتصاد آمریکا و کانادا شد و «اتحادیه آسه‌آن» که منشأ تحولات اقتصادی در جنوب شرقی آسیا بود حاکی از موفق بودن اتحادیه‌های منطقه‌ای و نقش آنها در رشد و تقویت اقتصاد کشورهای عضو است. مشاهده موفقیت این گونه اتحادیه‌ها با در نظر گرفتن توانهای بالقوه ایران در منطقه خاورمیانه برای فعالسازی و بهره‌برداری از این نوع همکاریها جای تأمل و افسوس دارد.

مرور تحولات چندسال اخیر سازمان همکاریهای اقتصادی اکو نشان می‌دهد که به دلیل عدم کارایی این اتحادیه، ناشی از سیاستهای انقباضی و غیرتشیقی مؤسسين آن (از جمله ایران)، چگونه حرکت مثبت و پرفرست الحاق کشورهای آسیای میانه به این سازمان بتدریج زائل شد و اکنون این کشورها تلاش و انرژی که در جهت همکاری با اتحادیه‌های دیگر گذاشته‌اند بسیار بیشتر از مشارکت آنان در سازمان اکوشده که این امر حاکی از ناامید شدن آنان از بهره‌وری در این سازمان است.

بدیهی است که با اعمال سیاستهای بیش از حد انقباضی و تدافعی نمی‌توان تشکیل اتحادیه داد و یا به موفقیت آن امیدوار بود. توجه به این نکته که پیوستن به سازمان جهانی تجارت در بدو امر می‌تواند مشکلاتی برای اکثریت قریب به اتفاق صنایع و خدمات کشور به وجود آورد باید سیاستگذاران اقتصاد ایران را به این تصمیم سریع سوق دهد که با آزادسازی تجارت با کشورهای منطقه - که شاید صنایع معدودی را دچار مشکل سازد - صنایع کشور را اصطلاحاً واگسینه کنند. این امر بدین معنی است که آزادسازی تجارت منطقه‌ای در کنار نتایج فراوان مثبتی که برای کشور خواهدداشت منجر به تجربه اولیه تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان کشور از جهانی شدن اقتصاد در بعد کوچکتر آن شده و مایه آگاهی و به خود آمدن آنان برای تجهیز خود و تطبیق با این روند می‌شود.

حرکت به سوی تشکیل اتحادیه تجاری آسیای غربی - مرکزی فرصت طلایی برای ایران و بعد کشورهای منطقه است. باید دست اتحاد به سوی کشورهای حاشیه خلیج فارس، کشورهای خاورمیانه و سپس کشورهای آسیای میانه دراز کنیم و با قبول کمی ریسک درهای خود را به سوی آنان بگشاییم. کاهش تعرفه‌ها، برقراری تعرفه‌های ترجیحی در منطقه، رفع موانع غیرتعرفه‌ای، اعطای اعتبارات بالاتر، اعطای تخفیفات مالیاتی، عقد پیمانه‌های جلوگیری از اخذ مالیات مضاعف و موارد بسیار دیگر از جمله اقدامات لازم است.

فراموش نکنیم که حتی پس از پیوستن همه کشورها به سازمان جهانی تجارت هنوز کشورها بیشترین بهره را از همسایگان خود می‌برند. اقتصاد خشت‌زیرین امنیت و ثبات است. در قرن حاضر دیگر این کشورهای منفرد نیستند که تعیین تکلیف می‌کنند. روند تبادلات جهانی در کلیه ابعاد اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیره به سوی گروه - کشوری پیش می‌رود. بدیهی است که اقتصاد سهل‌ترین نقطه اتحاد است. اگر بخواهیم در دهکده جهانی آینده حاشیه نشین نشویم باید جهانی شدن را از منطقه‌ای شدن آغاز کنیم.